

نصیرالدین طوسی

فیلسوف گفتگو

غلامحسین ابراهیمی دینانی



پنجمین سال انتشار

هرمس

۹۷۹۵۱۷۸۸ از شماره ۶۶۶۶ فی لیست کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مرکزی و کتابخانه دانشجویی و کتابخانه اساتید دانشگاه تهران و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مرکزی و کتابخانه دانشجویی و کتابخانه اساتید دانشگاه تهران

۳۸	مفهوم فلسفه و روش فلسفه
۷۵	فلسفه و روش فلسفه
۱۰۴	فلسفه و روش فلسفه
۱۳۳	فلسفه و روش فلسفه
۱۸۱	فلسفه و روش فلسفه
۲۱۰	فلسفه و روش فلسفه
۲۲۷	فلسفه و روش فلسفه
۲۸۵	فلسفه و روش فلسفه
۳۳۳	فلسفه و روش فلسفه
۳۵۱	فلسفه و روش فلسفه
۳۸۱	فلسفه و روش فلسفه
۴۱۵	فلسفه و روش فلسفه
۴۳۲	فلسفه و روش فلسفه
۴۷۱	فلسفه و روش فلسفه
۴۸۶	فلسفه و روش فلسفه
۵۲۷	فلسفه و روش فلسفه



هرمس

با آثار فراوان و گوناگون خواجه نصیرالدین طوسی و چگونگی
 آشنایی دارند به آسانی می‌توانند ادعا کنند که این انسان والا و
 بزرگ مرد اندیشه و عمل بوده است. بررسی فلسفی یک انسان و
 شخصیت او تنها در حوزه فلسفه و عمل امکان‌پذیر می‌گردد و کسی

فهرست

۱	مقدمه
۳۹	فصل اول: ماجرای برخورد نحو عربی و کلام اشعری با منطق و فلسفه
۷۵	فصل دوم: حوزه زبان و قلمرو عقل
۱۰۹	فصل سوم: اندیشه اشاعره و جایگاه آن در جهان اسلام
۱۴۳	فصل چهارم: حبّ دانایی اصل فلسفه و آغاز راه فضیلت است
۱۸۱	فصل پنجم: خواجه نصیرالدین طوسی در سنگر دفاع از فلسفه
۲۱۵	فصل ششم: کوشش برای ویران کردن و تلاش برای ساختن
۲۴۷	فصل هفتم: عالم آگاهی و جنبش اندیشه در نخستین گام
۲۸۵	فصل هشتم: نقطه آغاز در پیدایش نظر
۳۲۳	فصل نهم: چیستی و چگونگی فکر و نظر
۳۵۱	فصل دهم: نگاه عقل از جایگاه ناکجا
۳۸۱	فصل یازدهم: بلاغت و حکمت در آثار حکیم طوس
۴۱۵	فصل دوازدهم: شیوه‌ای پسندیده در راه رشد اندیشه
۴۴۳	فصل سیزدهم: نگاه نو و سخن تازه
۴۷۱	فصل چهاردهم: هماهنگی شهود و اندیشه در یک گفتگوی شکوهمند
۴۹۹	فصل پانزدهم: حکمت عملی در نظر حکیم طوس
۵۲۷	فصل شانزدهم: تأویل در اندیشه خواجه نصیرالدین طوسی
۵۵۳	نمایه

فصل اول

ماجرای برخورد نحو عربی و کلام اشعری با منطق و فلسفه

کسانی که به بررسی تاریخ و تمدن آیین مسیحیت می پردازند هرگز نمی توانند نسبت به قدیس آگوستین و توماس آکویناس و نقش محوری این دو اندیشمند بزرگ در قرن پنجم و سیزدهم میلادی بی اعتنا و ناآگاه باشند. این سخن در مورد بررسی دقیق و درست سایر تمدنها و آیینهای بزرگ و گسترده جهان نیز صادق است. چه کسی می تواند درباره تاریخ و تمدن کشور باستانی چین سخن بگوید در حالی که نسبت به آیین کنفوسیوسی و مذهب تائو بیگانه و ناآگاه است؟ این دو آیین که به این دو اندیشمند بزرگ منسوب است دو جویبار اصلی و اساسی اندیشه چینی شناخته می شوند. از قرن پنجم تا قرن سوم پیش از میلاد قط همین دو مکتب بودند که در میان سایر مکتبهای اندیشگی رقیب مقاومت کردند و فعالانه در راه خود پیش رفتند. در خلال آن دوران، شمار این مکتبها چندان زیاد بود که مردم چین آنها را مکتبهای صدگانه می نامیدند.

تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی آکنده از مسائلی است که در اثر برخورد با ماجراهای فکری بسیار و گوناگون پدید آمده و هر یک از آنها نیز منشأ آثار فراوان قرار گرفته است. کسی که با مسائل عمده و اساسی و جریانهای فکری در جهان اسلام سر و کار دارد چگونه می تواند با اندیشههای فارابی و ابن سینا و ابن رشد و سایر اندیشمندان بزرگ در این آیین بیگانه باشد؟ بسختی می توان پذیرفت که اشخاصی بتوانند به بررسی دقیق مذهب تشیع بپردازند و درباره ژرفای اصول و مبانی این مذهب سخن بگویند ولی از اندیشههای بنیادی خواجه نصیرالدین طوسی و مواضع فکری او خبر نداشته باشند.